

24.09.2012

مترجم: دوکتور محمد اکبر یوسفی

«مبارزات مردم افغانستان بخاطر استقلال علیه استعمارگران انگلیس!»

محقق: «نافتولا خالفین» (*)(Naftulla Halfin)، داکتر علوم تاریخ.

قسمت سوم

یادداشت مترجم: خوانندگان محترم حتماً خود می دانند، که چه بسی مطالب هر روز از روی کتب تاریخ، «مؤرخین افغان» رونویس می گردد. تا حدی قابل فهم است، زیرا نویسندگان سابق کشورما، از نگاه لسانی، خیلی موزون نوشته اند. اینکه کتب تاریخ افغانستان تا چه حد، وقایع تاریخ کشور ما را، در مطابقت و نزدیک با واقعیت ها بازگو کرده باشند، ارزیابی کرده نمی توانم. وقتی تحلیلی را تحت این عنوان از جانب یک محقق خارجی دیدم، خواستم تا ترجمه بدون تبصره شخصی، برای هموطنانم تقدیم نمایم. ممکن است با متون کتب افغانی مطابق و یا مغایر باشد. وقتی دیدم که مؤلف در یک تحلیل قریب ۳۰ صفحه این نشریه، ۵۸ منبع مؤخذ خود را تذکر داده است و در مقایسه، با بعضی از مؤرخین افغان ما، که با تحریر حجم زیاد، مؤخذ محدود دارند، تصمیم گرفتم، تا به ترجمه بپردازم. در صورتیکه، برای دوستان مسئول «افغان جرمن آنلاین» قابل نشر باشد و به نشر آن بپردازند، از ایشان سپاسگزار خواهم بود. با این منبع نویسندگان دیگری هم آشنائی و در مقالات خویش از آن نقل قول بعمل آورده اند.

« در حلقات وطندوستان افغانی، تمرکز متمایل با انگلیسی که حبیب الله خان از خود نشان می داد، باعث بروز خشم و نا رضایتی عمیق گردید. نا رضایتی های بزرگی هم به ارتباط تعقیب مبارزان، در مورد تطبیق «ریفرم»، در بخش اقتصاد فرسوده، در رابطه با فساد و تغییر نا مطلوب ارگانهای دولتی، نیز تحریر گردیده بود. علاوه از آن، امیر امور دولتی را بعهده وزیر مالیه محمد حسین خان واگذار نموده بود، که عمیقاً دست به ذخایر دولتی زده و بدون اقدام اضافی، به حال آن گذاشت. حسین به تقویت و تحکیم مواضع اقتصادی و سیاسی امپریالیزم انگلیس در افغانستان (۲۲) یاری می رساند. امیر نامه های تهدیدی بدست می آورد. چندین حادثه سوء قصد علیه او تکرار گردید این اعمال با تشدید بیشتر تعقیب، فشار و ارباب جواب داده می شد.

در اکتوبر ۱۹۱۷ حادثه صورت گرفت که در تاریخ از اهمیت خاصی برخوردار گردید: در کشورهمجوار، روسیه، انقلاب پرولتری به پیروزی رسید. بتاريخ ۲۰ «نومبر» (۳). «دسمبر» (۱۹۱۷)، شورای کمیسری مردم فراخوانی را به این عنوان «به همه زحمتکشان مسلمان روسیه و شرق» تصویب نموده، لغو تمام قرارداد های اسارتباری را که رژیم تزاری برکشور های شرق تحمیل نموده بودند، در محل مجلل اعلان کرد. این فراخون، تقاضای آتشینی در بر گرفته بود، که می گفت: «فرصت را از دست ندهید، یوغ اسارت متجاوزین را در هم شکنید، که سده های طولانی زمین های شما را ربوده، حتی کشور به خاکستر مبدل شده را هم نمی گذارند، تا شما از آن کار بگیریید. شما خود باید، مالک کشورخویش باشید. شما باید زندگی خود را به خواست خود آباد کنید. شما به آن حق دارید، سرنوشت بدست خود شمامست» (۲۳)

بلشویک ها ثابت نمودند که دوست مطمئن مردمان در بند هستند. آنها توانستند، تا در قرارداد «بریست- لیتوفسک» (Brest-Litovsk)، مصادف با ۳ مارچ ۱۹۱۸، ماده ای را در مورد احترام به آزادی سیاسی، اقتصادی و تمامیت ارضی ایران و افغانستان شامل سازند. (۲۴). ازین زمان ببعده مردم افغانستان می توانست در مبارزه بخاطر کسب حاکمیت ملی بر حمایت روسیه حساب نماید. لیکن این موضوع به امیر کمتر جالب بود. حبیب الله خان، قلمرو افغانستان را در اختیار دشمن کشور شورا ها قرار داده، بدینترتیب ثابت ساخت که او راحت شخصی خود را نسبت به عزت و حیثیت کشورش، بیشتر رجحان می بخشید. درین رابطه «لینن» ارزیابی می کند: «با مطیع ساختن کامل افغانستان توانستند» (امپریالیست های برتانوی) «برای خود از مدت ها قبل، پایگاه دفاعی ایجاد نمایند، تا بر ساحه قلمرو های مستعمراتی خویش افزایش بخشند و در پهلوی، به بند کشانیدن ملتها، زمینه های تجاوز و حمله را بر روسیه شوروی فراهم سازند.» (۲۵)

در اواخر سال ۱۹۱۸ و اوایل سال ۱۹۱۹ اوضاع سیاسی و اقتصادی افغانستان در حالت خیلی بغرنج و پیچیده قرار داشت. خشم و غضب مردم در رابطه با سرخمی های امیر در برابر سردمداران استعماری، با رشد روز افزون

دیانو شمیره: له ۱ تر 5

افغان جرمن آنلاین تاسو په درنښت همکاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de يادښت: دليکنيزي بني پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولئ

مالیات و بلند رفتن قیمت ها و با رشد فقر و بیچارگی توده های وسیع زحمتکش توأم بوده است. بسلسله تلاش هائیکه امیر می خواست، شهرت و اعتبار خویش را دوباره در بین مردم بدست آورد. بتاريخ ۲ «فبرور» ۱۹۱۹، عنوانی «ویسرای» هند (معاون پادشاه انگلیس)، «لارڈ خیلسمفورد» (Lord Chelmsford)، خواست خود را مبنی بر اینکه کنفرانس صلح پاریس بطور تحریری، استقلال کامل، آزادی فعالیت ها و استقرار خود مختاری دایمی را برسمیت می شناسد، خواست خود را اظهار داشت. (۲۶).

در مدت کمتر از سه هفته، در وسط شب بین تاریخ ۱۹ و ۲۰ «فبروری»، در تحت شرایط نا معلوم در شکارگاهش در نزدیکی جلال آباد به قتل رسید. قدرت را نصرالله خان بدست گرفت. او که به هیچ صورت در بین مردم از محبوبیت برخوردار نبوده است، پس از هفت روز توسط عساکر قیام کننده در «گازنیزون» جلال آباد سقوط داده شد. جای نشین او امان الله خان شناخته شد. بتاريخ ۲۸ «فبروری» ۱۹۱۹م مراسم نشست بر تاج و تخت سلطنت را پشت سر گذاشت. در عین روز بیانیه را به نشر سپرد و در آن بوضاحت و با تأکید اعلان داشت، که حکومت افغانستان چه در امور داخلی و چه در امور خارجی آزاد بوده است و صاحب همه حقوق آن است، که یک کشور حاکم در جهان از آن برخوردار می باشد. (۲۷).

بتاریخ ۳ «مارچ» ۱۹۱۹م امیر به «ویسرای» رسماً اطلاع می دهد، که تاج سلطنت را بسر گذاشته و بر تخت شاهی نشسته است. در عین حال تذکر می دهد که او از نام آزاد و مستقل سخن می گوید. (۲۸). این تعریف مقامات انگلیسی را زمان زیاد به فکر انداخت. وقتی امان الله خان در مدت بیش از یک ماه بدون جواب ماند، تصمیم گرفت تا به جانب مقابل نشان دهد که در اظهار خود اشتباه لفظی نداشته است، متناسب به آن طالب جواب می باشد.

بتاریخ ۱۳ اپریل امیر در یک دربار (جلسه) در کابل اعلام داشت: «من اعلام می دارم که من خود و کشور خود را کاملاً آزاد می دانم. خود اداری و حاکمیت در امور داخلی و خارجی. وطن من بدین ترتیب یک دولت مستقل خواهد بود، مانند دول دیگر جهان.» بعد بسوی نماینده «لارڈ خیلسمفورد»، یعنی سفیر که در محفل حاضر بوده است، روی گشاندند می از وی با صدای نرم و آرامتر پرسشی را ب زبان می آورد: «سفیر، چیزی که من گفتم، فهمیدی؟»، سفیر بجواب می گوید: «بلی، فهمیدم». جواب چنین بوده است. (۲۹).

بتاریخ ۱۵ اپریل ۱۹۱۹م، ویسرای پیام جوابی را بسوی کابل صادر نمود. این تأخیر یک و نیم ماهه تصادفی نبوده است. زمامداران برتانوی می دانستند، که جواب فوری حکم بربرسمیت شناختن امیر را در صف یک حکمروای مستقل می توانست نتیجه گیری شود. پیام «لارڈ خیلسمفورد» (Lord Chelmsford)، یک برداشت بخصوصی را ببار آورد: درین پیام از هسته و شیره مطلب کاملاً طفره رفته بود. بدین معنی که افغانها نمی خواهند، تا سرپرستی آنها از جانب انگلیس صورت گیرد. ویسرای تمام موضوعات را به سطح «علاقمندی های تجارتي» کابل تنزیل بخشید، درین جهت نیز از عجله کار نگرفت، تا نیازمندی را برطرف سازد، در حالیکه بطور علنی تلاش داشت، از وضعیت بمثابه یک بازی «شطرنج» کار گیرد. انگلیس امیدوار بوده است، تا امان الله را همانند، پیشینیان آن «رام» سازد. زمامداران امپراتوری برتانوی به این عقیده بوده اند، که امیر طلا را نسبت به برخورد با قدرت بزرگ، ترجیح خواهد داد، که نخایر خاتمه نا پذیر و اردوی نیرومند و آموزش دیده، بطور غیر قابل مقایسه از اردوی افغانستان قویتر در اختیار داشته است.

حکومت انگلیس از ناحیه تغییراتی که در جهان براه افتاده بود عاجز مانده بود. آنها امید داشته اند، که جنبش های آزادیبخش مردمان را با کاربرد، بی رحمانه زور سرکوب خواهند توانست. بتاريخ ۱۸ مارچ ۱۹۱۹م در هند، قانون «رولت» (Rowlatt) به تصویب رسید: مأموران پولیس قدرت نا محدود بدست آوردند. قوت ها به سرحدات افغانستان متمرکز گردید. لندن به پیمانۀ وسیع، سلاح و مهمات در اختیار ضد انقلابیون که بر ضد روسیه می جنگیدند، قرار داده بود. در بسیاری از مناطق (منجمله در ترکستان)، انگلیس ها به عملیات علنی نظامی دست بردند. این اقدامات به ناکامی انجامید. پیروزی بزرگ اکتوبر، جهان را انقلابی ساخت. مقاومت مؤففانه که اردوی زحمتکش روسیه در برابر گارد سفید روسیه و مداخله گران از خود نشان دادند. امید مردمان تحت استعمار را به دستیابی به آزادی از یوغ اسارت امپریالیزم هر چه بیشتر می ساخت.

بتاریخ ۲۷ مارچ ۱۹۱۹م، روسیه فیدراتیف جمهوری های شوروی سوسیالیستی، بحیث اولین کشور، استقلال و حاکمیت افغانستان را برسمیت شناخت. درست در «پراگراف» اول، شرایط ای که حکومت شوروی برای عقد صلح عنوانی کنفرانس صلح پاریس، فرستاده بود، شامل مکلفیت های متقابل تمام دول بوده است، که از هیچ نوع کاربرد زور بخاطر سقوط دولت افغانستان، استفاده نکرده. اردوی سرخ، باند های ضد شوی را در آسیای میانه مؤففانه سرکوب نمود و مداخله گران انگلیسی را بتاریخ اول اپریل ۱۹۱۹م مجبور به عقب نشینی به خاک ایران نمود. سه روز بعد از آن، شورای کمیسری مردم، روسیه فیدراتیف جمهوری های شوروی سوسیالیستی (RSFSR)،

به کمیته اجرائیه مرکزی جمهوری ترکستان وسایل و امکاناتی را در اختیار قرار داد، تا نمایندگی دیپلماتیک را به کابل اعزام دارد، بدلیل آنکه ایجاد ارتباط مستقیم، بین مرکز کشور و افغانستان، به نسبت عملیات جاری گارد سفید، قوای «کوزاک ها» (Kosaken)، تحت فرماندهی «اتامانس دوتوف» (Atamans Dutow)، ممانعت ایجاد می توانست.

جالب است که در هان روز، ۴ اپریل ۱۹۱۹م، امان الله خان، وزیر خارجه محمود طرزی و همفکران او شان، متن بیامی را عنوانی صدر شورای کمیسری مردم (RSFSR)، «و. ا. لینن (W. I. Lenin)» و رئیس کمیته اجرائیوی مرکزی تمام روسیه، «م. ا. کالینین» (M.I. Kalinin)، تحریر نموده اند. در پیام ای که امیر بتاريخ ۷ اپریل بسوی مسکو صادر نموده می نویسد: «با وجودیکه افغانستان از همین بدو تأسیس آن، بر مبنای روح و طبیعت آن، همواره به آزادی و تساوی حقوق یابند بوده، الی روز امروز، بنابر دلالت چند، امکانات از آن ربوده شده بود، تا تماس ها و مناسبات با دول و مردمان دیگر داشته باشد، که با آنها در موقف مساوی قرار می داشت.»

ازینکه جلالتمآب شما دوست گرامی ام، رئیس دولت بزرگ روسیه این دوستان بشریت، یکجا با سایر رفقای شما، که وظایف افتخار آمیز و پر محتوا را بدوش گرفته اید، تا در راه صلح و سعادت مردم خدمت نمائید و اصول آزادی، تساوی حقوق دول و مردمان را به همه جهانیان اعلان نمودید، احساس خرسندی می نمایم، تا نخست از همه بشما، از نام مردم ترفیخواه افغانستان، این پیام دوستی افغانستان آزاد و مستقل را می فرستم.» (۳۰)

در همان روز محمود بیگ طرزی عنوانی کمیسر مردم برای امور خارجی (RSFSR)، «ج. و. چیچرین» (G. W. Tschitscherin)، بیامی را صادر و در آن ابراز باور و امیدواری نمود که «چیچرین» «در راه تحکیم و انکشاف مناسبات شوروی - افغانستان، در فضای دوستانه توأم با نیت نیک، اقدامات رشد یابنده خواهد داشت» (۳۱).

بتاریخ ۲۱ «اپریل» ۱۹۱۹م، امان الله خان پیام دیگری عنوانی «و. ا. لینن» فرستاد. در پیام نوشت که افغانستان، مدت زمان طولانی مناسبات عادی با کشور های دیگر نداشته است. حال نماینده فوق العاده، جنرال محمد ولی خان بیگ مأموریت، به روسیه سفر می نماید (بعد راهی اروپاست)، تا به پیروی از حسن نیت، مناسبات و «پیوند های سالم بین دو دولت بزرگ» برقرار نموده و زمینه «تأمین علایق متقابل» را فراهم سازد. (۳۲)

لیکن قبل از اینکه مردم افغانستان، طوریکه در عین سند امیر تذکار رفته بود، «حیثیت طبیعی آنرا دوباره احیاء نموده» می توانست، مجبور به سپری نمودن یک آزمایش دشوار می باشد. امپراتوری برتانیه، نیت ندارد که قربانی خو را آزادانه از دست دهد. در سرحدات افغانستان تعداد قوای آن به ۳۴۰۰۰۰ نفر رسیده است، که با اسلحه فوق العاده مجهز گردیده اند، بشمول واحد های «موتوریزه» و قوای هوایی متمرکز گردیده است. بزودی تعداد افراد مسلح، به ۷۵۰۰۰۰ هفتصد و پنجاه هزار ارتقاء داده شد. در برابر این نیروی وحشتناک ۳۸۰۰۰ سی و هشت هزار عسکر پیاده، ۸۰۰۰ هشت هزار سوار و ۴۰۰۰ چهار هزار قوای توپچی قرار داشتند. (۳۳). آنها سلاح های با کیفیت پائین، تفنگ و توپ کهنه در اختیار داشته، محروم از تعلیمات لازم آزمایشی بودند. اردوی افغانستان نه طیاره و نه قوای «مکانیزه» در اختیار داشته اند. بجای آن فقط وطندوستان آتشین بوده اند، که از یک امر عادلانه دفاع می نمودند و از پشتیبانی همه نیروهای صلحدوست داخل و خارج کشور برخوردار بوده اند.

امان الله خان و هوادران او بخاطر استقلال کشور به برخورد علنی با امپریالیست ها حاضر بودند. با در نظر داشت تجارب دست داشته از عملیات های اشغالگرانه انگلیس، امیر فرمانده قوای خود، صالح محمد خان را به دره خیبر، سرحد شرقی، سردار محمد نادر خان را به سرحدات جنوب شرق، به مرکز خوست، جنرال عبدالقدوس خان را بسمت جنوب، قندهار اعزام داشت.

مخالف تلاش داشت، تا اقوام شرق افغانستان را به جانبداری خود بکشاند، که از آنها قطعات نا منظم برتانوی تشکیل گردیده بودند. «ویسرای» به «کمیسر» عمومی ولایت شمال غرب واقع در سرحد هند - افغانستان «تورن روز-کیپل» (Oberstleutnant Roos-Keppel)، دستور داد تا از همه امکانات در راه متحد ساختن اقوام بر ضد حکومت کابل کار گیرد: او هدایت میدهد، به هر اندازه پول اینکه ضرورت باشد، برای رسیدن به هدف (۳۴) بمصرف رساند. محمد نادر خان از جانب خود، از گردیز فراخوانی را به منگل، «طوطاخیل»، «خدران»، احمد زی، «خاخی» و سایر اقوام فرستاد. او از سران اقوام و موسفیدان خواست، تا به نسبت وظیفه بزرگ اینکه در پیش است، اختلافات درون قومی را کنار گذاشته، خود با واحد های خویش به گردیز حاضر گردند و در جهاد مقدس سهم گیرند.

جانب انگلیس بتاريخ ۳ ماه «می» ۱۹۱۹م، در ساحه سرحد واقع در منطقه خیبر برخورد های تحریک آمیز را براه انداخت، سه روز بعد با افغانستان اعلان جنگ صادر نمود. بنابر تفوق مادی استعمارگران تردیدی در عواقب آن نداشته اند. در برخی از ساحات البته به آن دست یافته اند. بدینترتیب، واحد های صالح محمد خان در دره

خبر مجبور به انعطاف گردیده، از شهرک «دکه» (Dacca)، منصرف شوند. انگلیس ها، ازین طریق به یک منطقه ما قبل جلال آباد، نزدیک شدند. آنها به پیمانۀ وسیع از نیروی هوایی خویش کار گرفته، مکرراً به بمباران جلال آباد و کابل می پرداختند. لیکن متجاوزین جرأت پیشروی در دره های مناطق کوهستانی در خود نمی دیدند، تا الی پایتخت پیشروی کند.

در اخیر ماه می در جنوب قندهار، ساحۀ سرحدی سپین بولدک، برخورد شدیدی بوقوع پیوست. مداخله گران این «پوسته» را زمانی اشغال توانستند، که تمام «گرنیزیون را نابود ساخته بودند. از جمله ۶۰۰ عسکر و افسر افغانی، فقط ۱۷ نفر با تن سالم ماندند، ۴۱۴ نفر به شهادت رسیدند، ۱۶۹ نفر زخمی و یا اسیر شدند. فعالیت های محاروبی بیشتر در جبهات مرکزی کسب شدت می نمود. در آن بخش قوای افغانی تحت فرماندهی سردار محمد نادرخان، که از حمایت واحد های قومی و حامیان مردم برخوردار بوده است، ابتکار را در دست گرفته، از سرحدات هند برتانوی عبور نموده، داخل وزیرستان شدند. در آنجا با استقبال گرم مردم روپرو شده اند. انگلیس ها از جانب خود ها، به تبلیغات پرداخته، «پوسته» های نظامی خویش را تقویت بخشیده اند. اقوامی را که با همدیگر درگیر اختلافات بوده اند، تاراج نمودند، تا دشمنی های دیرینه را زنده و تازه نگهدارند. حتی به تهدید دست می برده اند، تا مانع سهمگیری آنها در وقایع گردند. لیکن در همه جای ها استقبال ادامه داشته است. واحد های اقوام «مسود» (بعضی مسید، مسعود یا میسود، تلفظ می کنند: مترجم)، احمدزی، کابلخیل و وزیر منجمله با تعداد کثیر دیگر با سلاح های دست داشته شخصی خود، تجمع نموده، به جنگ پر قربانی متعهد شدند. (۳۵)»

ختم قسمت سوم
ادامه دارد.

منبع و مؤخذ محقق: این رساله به بزرگی کتات نشر شده است، طوریکه در آن همه مقالات در بارۀ افغانستان اختصاص یافته است و دانشمندان مختلف سهم گرفته اند. ممکن است، زبان های مختلف، چون «روسی»، «انگلیسی»، «فرانسوی»، آلمانی و غیره، نشر شده باشد. من بزبان آلمانی امانت گرفته بودم و از زبان آلمانی ترجمه شده است. یکی از دوستان محترم خواننده، جناب دانشمند گرامی دوست محمد از بدخشان، در بارۀ منبع و مؤلف معلومات خواسته بودند. دانشمند و دوست محترم دیگر افغان جناب، غوث جانباغ لطف نموده، معلوماتی فرستاده اند، که تمام فرستنده ایشان را بنابر اهمیت آن بدون تصرف در پاورقه، جای داده ام. در بارۀ منبع، تذکار می یابد، که در پشتی کتاب، در سمت راست بالائی نوشته شده است:

SOWJETISCHE ORIENTLISTIK
SOWJETISCHE ORIENTLISTIK شرق شناسی شوروی
در وسط:

AGHANISTAN: افغانستان
VERGANGENHEIT گذشته
GEGENWART UND حال

REDAKTION هیئت تحریر
"GEGENWART GESELISCHAFTSWISSENSCHAFTEN UND,"
«علوم اجتماعی و حال.»

UDSSR AKADEMIE DER WISSENSCHAFTEN DER

اکادمی علوم اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی.

در صفحه بعد:

Moskau ۱۹۸۱ مسکو ۱۹۸۱

نویسنده: در صفحه (۱۰۹ مفصل تر تحریر یافته است.)

Halfin Naftulla «نفتلا هالفین»

Doktor داکتر

«افغانستان: گذشته و حال»، «اکادمی علوم اتاد شوروی، مسکو ۱۹۸۱، بزبان آلمانی، آغاز مطلب، صفحه (۱۰۹)

(۱) - (۲۲) ر. ارخمویچ (R. Archamowitsch). . . مسکو ۱۹۵۷، صفحه ۲۱۳ - ۲۱۵

(۲) - (۲۳) «دیگریتی سوتسکی و لاستی... مسکو ۱۹۵۷، جلد ۱، صفحه ۱۳ - ۱۱۵

(۳) - (۲۴) «دوکومنتری ونیشنی پولی تی... مسکو ۱۹۵۷، جلد ۱، صفحه ۱۲۳.

(۴) - (۲۵) و. ا. لیون، آثار جلد ۲۸، صفحه ۸.

(۵) - (۲۶) ادامیک، امور خاری افغانستان، نیمۀ قرن بیست، تکون، اریزونا، ۱۹۷۴، صفحه ۴۵.

د پانو شمیره: له ۴ تر 5

افغان جرمن آنلاین په درښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادښت: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په څیر و لولئ

- (۶) - (۲۷) مقایسه با شرق هند (افغانستان)، اوراق به ارتباط دمنی با افغانستان، ۱۹۱۹، گزارش اته در پارلمان، لندن ۱۹۱۹، صفحه ۴-۵ .
- (۷) - (۲۸) همانجا، صفحه ۳ .
- (۸) - (۲۹) هند شرقی (افغانستان)، اوراق
- (۹) - (۳۰) «سوی-تکو - افغانکی انتشی-ئی... ۱۹۱۹ - ۱۹۶۹ گودی... مسکو ۱۹۷۱، صفحه ۸ .
- (۱۰) - (۳۱) همانجا، صفحه ۹ .
- (۱۱) - (۳۲) همانجا صفحه ۱۰ - ۱۱ .
- (۱۲) - (۳۳) مقایسه با جنگ سوم افغان - انگلیس ، ۱۹۱۹ ارزیابی رسمی کلکته، صفحه ۲۳ - ۲۴
- (۱۳) - (۳۴) مقایسه با سردار اقبال علی شاه، افغانستان «مودرن» لندن ۱۹۳۸ .
- (۱۴) - (۳۵) مقایسه با محمد علی ، افغانستان، جنگ استقلال، کابل ۱۹۵۹، صفحه ۴۶ - ۴۷ .

(*).- محترم غوث جانباز نوشت: «قابل توجه دوستان و دانشمندان عالیقدر داکتر محمد اکبر یوسفی و شاغلی دوست محمد از ولایت بدخشان!

با استفاده از فرصت برای مزید معلومات نکات ذیل خدمت ارائه میشوند:

نافتولا آرونوویچ خالفین،

تاریخ شناس یهود تبار اتحاد شوروی، داکتر علوم تاریخ، آمر آرشیف دولتی و تاریخی جمهوریت ازبکستان شوروی. موصوف به حیث یکی از استادان پوهنتون دولتی آسیای میانه، کارمند علمی انستیتوت تاریخ و باستان شناسی اکادمی علوم جمهوری ازبکستان شوروی و همزمان کارمند علمی انستیتوت شرق شناسی اتحاد شوروی ایفای وظیفه نموده است.

ن. خالفین در سال ۱۹۲۱ در شهر کیف (اوکراین) به دنیا آمده است.

از آثار این تاریخ شناس که قسماً یا مستقیماً در رابطه به افغانستان استند میتوان از:

۱- "شکست هجوم برتانیه به افغانستان"، سال نشر ۱۹۵۹؛

۲- "انتقام را در جگدک باید انتظار داشت"، سال نشر ۱۹۷۳

۳- "روسیه و الحاق آسیای میانه"، سال نشر ۱۹۶۵

۴- "پیروزی در میوند"، سال نشر ۱۹۸۰

۵- "سپیده آزادی بالای کابل"، سال نشر ۱۹۸۵

و آثار دیگر نام برد.

ن. خالفین در سال ۱۹۸۷ وفات یافته است.

(از منابع روسی)»